

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

شباهنگ راد

۰۱ جولای ۲۰۱۵

حمید اشرف سمبل شکیبائی و متانتِ کمونیستی

(به مناسبت ۸ تیر [سرطان] ۱۳۵۵)

۸ تیرماه [سرطان] ۱۳۵۵ را می‌توان در تاریخ جنبش کمونیستی ایران، به‌عنوان یکی از روزهای تلخ و دردناک نوشت. در این روز حمید اشرف به‌همراه رفقاء یوسف قانع خشکبیجاری، محمدرضا یثربی، فاطمه حسینی‌ابرده، محمّدحسین حق‌نواز، طاهره خرم، عسکر حسینی‌ابرده، محمدمهدی فوقانی، علی‌اکبر وزیر و غلام‌علی خراطپور، به‌محاصره ارگان‌های مسلح نظام شاهنشاهی در آمدند و در نبردی نابرابر و چند ساعته، جان باختند. بی‌تردید حمید اشرف و دیگر یارانش از باورمندان عملی طبقه کارگر و زحمت‌گشان بودند و جنبش کمونیستی ایران، همواره از آنان و از همه جان‌باختگان راه رهایی، به نیکی یاد خواهد کرد. در اواخر و اوائل دهه چهل و پنجاه، رژیم شاهنشاهی تعرض به مدافعان انقلاب را دو چندان و ارگان‌های مخوف پولیسی خود را یکی پس از دیگری به صف نمود تا جنبش‌های توده‌ئی - روشن‌فکری را در نطفه خفه سازد. در حقیقت، دهه پایانی عمر نظام شاهنشاهی، دهه تولد جنبش نوین کمونیستی ایران بود؛ در این دهه کمونیست‌ها با جمع‌بندی از فعالیت‌های چند دهه و همچنین از شکست‌های متعدد انقلابیون، راه نوین و تازه‌ای را جستند - که در زمانی کوتاه -، به راه و به سر تیتز وظایف دیگر کمونیست‌ها و مبارزان تبدیل گشته بود. در چنین شرایطی جنگ مسلحانه و انقلابی توسط پیروان انقلاب، علیه ضد انقلاب مسلح سازمان داده شد و به تبع آن، فضای جامعه، به دور تازه‌ای شفیت کرده بود. از یکسو جنبش‌های اعتراضی، راه صحیح خود را باز یافت و از سوی‌دیگر رژیم پهلوی، با تمان قواء در صدد کشف و سرکوبی کمونیست‌ها بر آمد. کمونیست‌هایی که "جزیره ثبات و آرامش" شاه - این عنصر وابسته به سرمایه‌های بین‌المللی - را در هم ریختند و نظام را با مشکلات جدی رو در رو ساختند. حرافان و بی‌عملان هم، در هم‌نوائی با طبقه سرمایه‌داری، نغمه "جوانان کم حوصله"، "ماجراجو" و غیره را سر دادند و بدون کمترین تعللی، در پی توضیح بی اعتباری این شیوه از مبارزه بر می‌آمدند. چرا که این‌بار تعرض و مقاومت، جای خود را به عقب‌نشینی و تسلیم داده بود؛ چرا که کمونیست‌های دهه‌های دور همچون حمید اشرف و دیگر یارانش، بر این عقیده بودند، می‌توان مبارزه کرد و قدر قدرتی رژیم را در هم شکست؛ چرا که بر این باور بودند می‌توان در برابر تور گسترده پولیسی، پراتیک مناسب را سازمان - و توده‌ها را مورد خطاب قرار - داد؛ چرا که بر این عقیده بودند، وظیفه کمونیست‌ها نه تسلیم و کرنش در برابر وضع موجود، بل در تغییر آن می‌باشد؛ ایده‌ای که جنبش‌های اعتراضی کنونی، کمتر با چنین آرمان و تحرکاتی از سوی مدافعان خود رو در رو می‌باشند.

به دیگر سخن اواخر و اوائل دهه چهل و پنجاه، به دلیل پراتیک و جان‌فشانی‌های فرزندان کارگران و زحمت‌گشان در صحن جامعه، واژه کمونیست، بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد و جامعه ایران، شاهد نبرد مسلحانه پیشروان راه رهایی با

ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی بود. در این مدت غرش مسلسل چریک‌ها و دیگر مبارزان، دمار از روزگار نظام شاهنشاهی را در آورد و توده‌ها این پُرسش را در مقابل خود قرار دادند که کیستند اینان، این‌چنین بی‌باکانه، در برابر قلدنمنشی سرکوب‌گران ایستادند و جان خود را فدای آرمان‌شان می‌کنند. در مقابل شاه جلااد هم، بر فعالیت‌های ضد انقلابی خود افزود و بی‌وقفه و بی‌امان، به جان کمونیست‌ها افتاد، شمار زیادی از آنان را به دام انداخت و شمار دیگری را از دم تیغ گذراند. پُر واضح است که در وصف تعرض و بی‌باکی کمونیست‌ها بسیار، بسیار گفتند و نوشتند و هم‌چنین خواندیم که چگونه یکی پس از دیگری، به حمایت عملی از مدافعان و رزمندگان انقلاب برخاستند؛ رزمندگانی که دریافته بودند، تنها با منطق و با زبان تعرضی و مقابله است که می‌توان، تاج و تخت حاکمان مسلح را مورد هدف قرار داد و نوید آزادی و رهائی را سر داد.

آری، کمونیست‌های دوران شاهنشاهی، خلاف مشاطه‌گران و حرافان، پا پیش گذاشتند، جنگیدند تا خلق‌شان را آزاد سازند. بیهوده و بی‌جهت نیست که این بخش از تاریخ جنبش کمونیستی ایران و علی‌رغم گذشت سال‌ها از آن، در ذهن توده‌ها به یادگار مانده است و همواره و همواره و به‌مناسبت‌های متفاوت، یاد، یاران انقلاب رهائی‌بخش را گرامی می‌دارند.

بنابراین در سال‌گرد جان‌باختن حمید اشرف و دیگر یارانش، اشاره و تأکید دوباره، به چند نکته بی‌مناسبت نمی‌باشد. این‌که، راه و حقانیت مبارزه حمید اشرف و دیگر یارانش، به‌دلیل یکسانی ماهیت رژیم شاهنشاهی با رژیم جمهوری اسلامی، معتبر و قابل پی‌گیری است و طبعاً و بنابه شواهد فراوان، می‌توان گفت که نظام کنونی و آن‌هم به‌عنوان یکی از نظام‌های درنده و سراپا مسلح، همان سیاست و روش‌هایی را پیشه خود می‌سازد که نظام گذشته - شاهنشاهی - مدافع آن بود.

این‌که، زمانی می‌توان ادعای پیشاهنگی و پیشروئی مبارزات ضد امپریالیستی جامعه ایران را داشت که به‌مانند حمید اشرف و کمونیست‌های دهه‌های دور، ارگان‌های سرکوب نظام وابسته را مورد خطاب قرار داد و توده‌ها را حول عالی‌ترین شکل از مبارزه بسیج نمود.

این‌که، بدون شکیبائی و متانت کمونیستی نسبت به مخالفان خود، نمی‌توان وظایف کمونیستی خود را پی گرفت و در جهت روشن‌گری اذهان عمومی، گام‌های عملی بر داشت.

این‌که، زمانی می‌توان سیاست اتحاد و یگانگی درون جنبش کمونیستی را پی گرفت که از تکبر سیاسی، بزرگ‌بینی، منمیت و خودخواهی‌ها فاصله گرفت.

این‌که، انقلاب ایران زمانی به سر منزل مقصود خواهد رسید که نیروهای مدافع کارگران و زحمت‌کشان، پیشاپیش جنبش‌های اعتراضی قرار گیرند و بدون کم‌ترین چشم‌داشت‌های سازمانی - حزبی، در جهت بسیج توده‌ها و آن‌هم تا سر حد سرنگونی رژیم وابسته جمهوری اسلامی و فردای بهتر گام بر دارند؛ سیاست، راه و روشی که حمید اشرف‌ها، مبلغ و مدافع عملی آن بودند.

۷تیر [سرطان] ۱۳۹۴

۲۸ جون ۲۰۱۵